

تخصص، کیمیای فراموش شده



سامان بختیاری

فعال سیاسی

هر دولتی که روی کار می‌آید عموماً وعده‌هایش تبدیل به متر و شاخص می‌شود. در حقیقت دولت خود عنوان می‌کند چه چیز را و به چه صورت از او مطالبه کنیم. لذا به نظر می‌رسد بر اساس آنچه در انتخابات از سوی رئیس جمهور مطرح شده؛ نتوانسته به وعده‌های خود در حوزه اقتصادی عمل کند. ولو اینکه دولت برای رسیدن به این وعده‌ها هم تلاشی کرده باشد اما به هر روی این وعده‌ها فعلاً عملیاتی نشده است. در برخی موارد در هدف گذاری دچار اشتباه شده. چرا که هدف باید ملموس، قابل دسترس، واقعی و واقع‌بینانه باشد. به نظر می‌رسد دولت در عملکردش مشکل هدف‌گذاری دارد. به طور مثال در حوزه مسکن گفته شده ما سالانه یک میلیون واحد مسکن می‌سازیم. در حالی که با توجه به بسترها و امکانات موجود چنین وعده‌ای چندان واقع‌بینانه نبود. نکته دوم دولت رئیسی قبل از روی کار آمدن منتقد برجام بود و بر آن خرده می‌گرفت که ما در برجام درست عمل نکرده‌ایم یا درست امتیازگیری نکرده‌ایم اما اگر دولت ما روی کار بیاید ما قطعاً می‌توانیم برجام را درست کنیم و استفاده بسیار بهینه‌تر از برجام داشته باشیم اما همانطور که می‌بینیم در این حوزه هم نه تنها اتفاق خاصی نیفتاد بلکه حتی می‌توان گفت باب مذاکره هم تا حدی بسته شد. رئیسی به رغم اینکه شعارش دولت مردم بود در حوزه رفاه عمومی هم نه تنها که وضعیت بهتر نشد بلکه سطح کیفیت رفاه عموم پایین‌تر رفته است. در چند ماه اخیر افزایش بی‌رویه قیمت‌ها و تورم را داشتیم که میانگین آن بیش از ۴۰ درصد بوده است. حتی در حوزه برابری ریال و باارزشی جهان نمای خارجی مانند دلار و یورو بازهم می‌بینیم که ارزش ریال کاهش یافته است. البته عدم موفقیت دولت را می‌توان از این منظر مورد بررسی و آسیب‌شناسی قرار داد که نخست باید دید متولیان امر و وزیری که در راس وزارتخانه قرار دارد توانایی و تخصص انجام آن ماموریت را دارد یا نه؟ مساله دوم اینکه ممکن است موانعی بر سر اجرای این برنامه‌ها بوده باشد. آنچه مشخص است یک هماهنگی و یکدستی کامل در میان همه ارکان حاکمیت برای دولت رئیسی وجود داشت یعنی دولت با مجلس، قوه قضائیه و سایر نهادها همسو و هماهنگ بود شاید برخی از مردم هم که به رئیسی رای دادند به این فکر می‌کردند که اگر ما نهاد اجرایی را با پارلمانی و قضایی و سایر نهادهای حاکمیتی یکسان کنیم اثربخشی دولت بیشتر شود. و چرا که مهم‌ترین ماموریت دولت یک ماموریت عمومی و ارائه خدمات به شهروندان است. با این همه تاکنون دولت نتوانسته از این یکدستی استفاده کند. دولت توانمند با یک کابینه قوی از منظر تخصصی می‌تواند تاحدی در برخی از بحران‌ها، برون‌رفت داشته باشد. مدیران علاوه بر عنصر تعهد باید شایسته تخصص هم داشته باشند. کمالاتی که انسان متعهد فاقد یک تخصص باشد و در یک جایگاه تخصصی قرار بگیرد بلاشک عدم تعهد خود را هم اثبات خواهد کرد. برعکس آن، وقتی کسی تخصص دارد اما پایبند به قانون و متعهد به ارزش‌ها و آداب و رسوم نباشد او هم نمی‌تواند موفق باشد. بنابراین در میان تعهد و تخصص، گویا تخصص در این میان به فراموشی سپرده شد.

در پیچه

احتمال صدور حکم بازداشت «الکاظمی»

یک عضو ائتلاف دولت قانون عراق مدعی شد که در مرحله پیش‌رو شاهد صدور حکم بازداشت علیه مصطفی الکاظمی به اتهام دست داشتن در ترور سردار سلیمانی و ابومهدی المهندس خواهیم بود. فاضل موات الزریجاولی، یکی از رهبران ائتلاف دولت قانون عراق گفت: مصطفی الکاظمی، نخست‌وزیر پیشین عراق اکنون در بغداد و در منطقه خضرا حضور دارد تحت حفاظت سفارت آمریکا در عراق است. وی افزود: در مرحله پیش‌رو شاهد صدور حکم بازداشت و بازجویی از مصطفی الکاظمی به‌دلیل دست داشتن در مساله «سرقت قرن» و ترور سردار سلیمانی و ابومهدی المهندس خواهیم بود. اخیراً محمدحسن جعفر(برادر شهید ابومهدی المهندس) و ۷۶ نفر دیگر از دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا و مایک پمپئو، وزیر خارجه این کشور و مصطفی الکاظمی، نخست‌وزیر پیشین عراق و ضیاء الموسوی، سرپرست اطلاعات نظامی عراق و همچنین سفیر آمریکا در بغداد به خاطر جنایت ترور فرماندهان مقاومت(ابومهدی المهندس و سیهید شهید سلیمانی) در فرودگاه بین‌المللی بغداد در دادگاه سوم الکربخ شکایت کردند. در این شکایت آمده است که ۳متمم اول با هماهنگی مجتهد چهارم و پنجم دستور ترور فرماندهان پیروزی به وسیله پهپاد در خاک عراق را دادند. در بخشی دیگری از این شکایت با استناد به اظهارات مایک پمپئو آمده است که متهم دوم اعلام کرد که این عملیات از داخل سفارت آمریکا در بغداد مدیریت می‌شد و یک تیم ویژه اطلاعاتی خودروهایی که برای استیصال از فرماندهان پیروزی می‌رفتند را تعقیب می‌کرد. برادر شهید المهندس در شکایت خود آورده است که این امر نقض حاکمیت عراق و در تضاد با منشور سازمان ملل است. در این شکایت با اشاره به نقض قوانین بین‌المللی و ایجاد رعب و وحشت میان شهروندان و همچنین استفاده از سلاح ممنوعه در این جنایت آمده است که ما خواهان انجام اقدامات قانونی علیه متهمان هستیم. پیش از این فراکسیون پارلمانی صادقون عراق ضمن متمم کردن دولت مصطفی الکاظمی به سرپوش گذاشتن بر جنایت فرودگاه بغداد(ترور شهید سلیمانی و ابومهدی المهندس) خواهان بازگشایی این پرونده و مجازات تمام مسئولان و افرادی شد که در آن دست داشتند. علی ترکی الجمالی، نماینده این فراکسیون در گفت‌وگو با خبرگزاری المعلومه تأکید کرد: تنها چند هفته تا سومین سالگرد جنایت فرودگاه بغداد و ترور فرماندهان پیروزی ابومهدی المهندس و قاسم سلیمانی مانده است. وی بدون نام بردن از طرف‌هایی که در این جنایت با دولت آمریکا همکاری داشته‌اند، خواستار مجازات آنها شد. این نماینده عراقی گفت که در زمان دولت پیشبرد امور به ریاست مصطفی الکاظمی پنهان‌کاری‌هایی در خصوص این پرونده شد و برخی شواهد نشان می‌دهد که افسرانی در دولت الکاظمی در این پرونده تملل کردند و بر آن سرپوش گذاشتند.

فرشاد مومنی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

برخورد جزیره‌ای با مسائل راهگشانیست

سیاست‌های شوک درمانی مشارکت‌زداست

برخی مسئولان باید سازه‌های ذهنی خود را تغییر بدهند

اساس ساخت توسعه نیافته رانتی مبتنی بر کوته‌نگری است

پشت کردن به واقعیت مساله را حل نمی‌کند

باید زمینه مشارکت بیشتر مردم را در تصمیم‌گیری‌ها فراهم کرد

◀ برای عبور از شرایط کنونی کشور چه باید کرد؟مهم‌ترین مسائل کنونی کشور را چه می‌دانید؟

ما با مشکلات چندوجهی مواجه هستیم. مشکلات اقتصادی به خاطر ملموس بودن، خیلی راحت‌تر درک می‌شود و برای آشنایی که نفعشان در پنهان کاری است، کار دشوارتری در این زمینه وجود دارد. در این دوراهی بنا بر راهنمایی متفکران بزرگ باید به بنیادهای اندیشه‌ای برگردیم. رقابت بین کشورها و رقابت بین شرکت‌ها شکل تجسد یافته رقابت بین اندیشه‌هاست؛ بنابراین شاید فوری‌ترین مسئله ما دامن زدن به

تلاش‌های علمی و اندیشه‌ای برای ارتقای فهم‌مان است. ما به شناخت وضع موجود نیاز داریم. این کار بزرگ در چارچوب مناسبات رانتی با موانع بسیار بزرگی روبه‌رو است. در این نقطه عطف ظرفیت‌های بزرگی وجود دارد که می‌تواند بالفعل شود!لا صمیمانه از مسئولان می‌خواهم در هیچ زمینه‌ای سراغ شوک درمانی نزنند. این موارد ما را از هم دورتر می‌کند و امکان تعامل داخلی را از ما می‌گیرد. هر کوششی که از طریق شوک درمانی بخواهد مسائل را حل کند، جامعه را با مشکل روبه‌رو می‌سازد.در این زمینه باید به دو تجربه متفاوت توسعه‌ای در چین و روسیه توجه کرد. چین با پرهیز از شوک درمانی نتواند پیدا کرد و اعتلا یافت اما روسیه با شوک درمانی به انواع مسائل گرفتار شد. ما باید بستر را برای خلاقیت و مشارکت همه ظرفیت‌های انسانی و مادی‌مان فراهم کنیم. در چارچوب مناسبات رانتی ما با بحران مشارکت روبه‌رو می‌شویم. وضعیت طوری شده که خلاقیت و تولید دیگر نشانه زنگی محسوب نمی‌شود و شارلاتانی و فساد نشانه زرنگی است. حاکمیتی که متقاضی بهرپروزی است بستر را برای مشارکت مردم و امنیت اقتصادی فراهم کند. در هیچ کجای دنیا وقتی انگیزه برای ساخت صنعتی کمتر از انگیزه برای ساخت و ساز باشد توسعه رخ نمی‌دهد. ما به دولت فعلی گفتیم با آن سندی که برای بودجه سال ۱۴۰۱ تدوین کرده‌اند، یک نیمه دوم دشوار خواهیم داشت اما کوشی برای شنیدن نبود. عنصر محوری قانون بودجه سال ۱۴۰۱ شوک درمانی بود. این سیاست مشارکت‌زداست.

◀ چگونه می‌توان از شوک درمانی فاصله گرفته و زمینه را برای مشارکت بیشتر فراهم کرد؟

در عصر شتاب تاریخ، خودشناسی و فهم اقتضات زمان دو مساله مهم است. برقرار کردن نسبت خلا و هوشمندانه و از موضع استقلال و عزت نفس همراه با مشارکت مفید، یک موضوع حیاتی است. متأسفانه مشاهدات ما از این الزامات نشان می‌دهد که عملکردها از آنچه باید باشد، دور است. اخیراً یکی از مسئولان کشور گفته است می‌خواهند تعطیلات رسمی را افزایش دهند. ای کاش در مورد این تصمیم و سایر تصمیمات، برخی مسئولان ما به این بلوغ می‌رسیدند که قبل از ابلاغ هر چیزی، آن را به بحث بگذارند. آنها که تعطیلات طول هفته را افزایش می‌دهند، کسانی هستند که از مرحله تولید انبوه عبور کرده و به قابلیت‌های تولیدی سطح بالا رسیده‌اند. ما که فاصله‌ای بزرگ با این مناسبات داریم، نباید آنقدر غیرمحتاط باشیم. یکی از



«آرمان ملی»- احسان انصاری: اساس ساخت توسعه نیافته رانتی مبتنی بر کوته‌نگری است. مادر دانش توسعه می‌گوییم برای رسیدن به توسعه به سه گروه شناخت نیاز داریم. شناخت وضع موجود، شناخت وضع مطلوب و شناخت ساز و کارهای برون رفت از وضع موجود و رسیدن به وضع مطلوب. مادر هر سه حوزه دچار یک وضعیت نامتعرف هستیم. در کشوری زندگی می‌کنیم که به عنوان بدیهی اولیه عقلی، بارها به برخی مدیران گفته شده در حالی که شما با انواع بحران‌ها مواجه هستید، برخورد جزیره‌ای با مسائل راهگشانیست و گر نه امکان ندار دمساله‌ای را حل کنید». اظهارات ذکر شده سخنان دکتر فرشاد مومنی در گفت‌وگو با آرمان ملی است. مومنی در این گفت‌وگو به بررسی مهم‌ترین چالش‌ها و فرصت‌های چشم‌انداز آینده کشور پرداخته که در ادامه حاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

◀ برای عبور از شرایط کنونی کشور چه باید کرد؟مهم‌ترین مسائل کنونی کشور را چه می‌دانید؟

ما با مشکلات چندوجهی مواجه هستیم. مشکلات اقتصادی به خاطر ملموس بودن، خیلی راحت‌تر درک می‌شود و برای آشنایی که نفعشان در پنهان کاری است، کار دشوارتری در این زمینه وجود دارد. در این دوراهی بنا بر راهنمایی متفکران بزرگ باید به بنیادهای اندیشه‌ای برگردیم. رقابت بین کشورها و رقابت بین شرکت‌ها شکل تجسد یافته رقابت بین اندیشه‌هاست؛ بنابراین شاید فوری‌ترین مسئله ما دامن زدن به

تلاش‌های علمی و اندیشه‌ای برای ارتقای فهم‌مان است. ما به شناخت وضع موجود نیاز داریم. این کار بزرگ در چارچوب مناسبات رانتی با موانع بسیار بزرگی روبه‌رو است. در این نقطه عطف ظرفیت‌های بزرگی وجود دارد که می‌تواند بالفعل شود!لا صمیمانه از مسئولان می‌خواهم در هیچ زمینه‌ای سراغ شوک درمانی نزنند. این موارد ما را از هم دورتر می‌کند و امکان تعامل داخلی را از ما می‌گیرد. هر کوششی که از طریق شوک درمانی بخواهد مسائل را حل کند، جامعه را با مشکل روبه‌رو می‌سازد.در این زمینه باید به دو تجربه متفاوت توسعه‌ای در چین و روسیه توجه کرد. چین با پرهیز از شوک درمانی نتواند پیدا کرد و اعتلا یافت اما روسیه با شوک درمانی به انواع مسائل گرفتار شد. ما باید بستر را برای خلاقیت و مشارکت همه ظرفیت‌های انسانی و مادی‌مان فراهم کنیم. در چارچوب مناسبات رانتی ما با بحران مشارکت روبه‌رو می‌شویم. وضعیت طوری شده که خلاقیت و تولید دیگر نشانه زرنگی محسوب نمی‌شود و شارلاتانی و فساد نشانه زرنگی است. حاکمیتی که متقاضی بهرپروزی است بستر را برای مشارکت مردم و امنیت اقتصادی فراهم کند. در هیچ کجای دنیا وقتی انگیزه برای ساخت صنعتی کمتر از انگیزه برای ساخت و ساز باشد توسعه رخ نمی‌دهد. ما به دولت فعلی گفتیم با آن سندی که برای بودجه سال ۱۴۰۱ تدوین کرده‌اند، یک نیمه دوم دشوار خواهیم داشت اما کوشی برای شنیدن نبود. عنصر محوری قانون بودجه سال ۱۴۰۱ شوک درمانی بود. این سیاست مشارکت‌زداست.

◀ چگونه می‌توان از شوک درمانی فاصله گرفته و زمینه را برای مشارکت بیشتر فراهم کرد؟

در عصر شتاب تاریخ، خودشناسی و فهم اقتضات زمان دو مساله مهم است. برقرار کردن نسبت خلا و هوشمندانه و از موضع استقلال و عزت نفس همراه با مشارکت مفید، یک موضوع حیاتی است. متأسفانه مشاهدات ما از این الزامات نشان می‌دهد که عملکردها از آنچه باید باشد، دور است. اخیراً یکی از مسئولان کشور گفته است می‌خواهند تعطیلات رسمی را افزایش دهند. ای کاش در مورد این تصمیم و سایر تصمیمات، برخی مسئولان ما به این بلوغ می‌رسیدند که قبل از ابلاغ هر چیزی، آن را به بحث بگذارند. آنها که تعطیلات طول هفته را افزایش می‌دهند، کسانی هستند که از مرحله تولید انبوه عبور کرده و به قابلیت‌های تولیدی سطح بالا رسیده‌اند. ما که فاصله‌ای بزرگ با این مناسبات داریم، نباید آنقدر غیرمحتاط باشیم. یکی از

جذاب‌ترین خاطرات از سفرها برای مطالعه چین، این بود که هیات ایرانی، فرد چینی که راهنمای ما بود را مورد سؤال قرار کرده‌اند لذا اگر اینجا تورم را اینگونه تعریف کنید، رانت‌خوارها را از نفع می‌کنید. نتیجه این می‌شود که تمام داشته‌های این سیستم را به سند چشم‌انداز گره می‌زنید. برنامه‌ریزی توسعه را به مناسک تبدیل می‌کنید و دانما غافلگیری می‌شود و بحران‌هایی با ائتلاف‌های بزرگ ایجاد می‌کنید. ببینید چقدر طنز شده است که می‌گویند دولت قبلی این همه فساد و ناکارآمدی به بار آورد اما برای اولین بار در تاریخ برنامه‌ریزی ایران اینها برای دومین سال پیایی برنامه دولت قبلی را تمدید می‌کنند. در دهه ۱۳۹۰

فرو رفته بودند و ما مدیر بیدار شدیم و هزاران کار انجام نشده برای توسعه خود داریم. آن فرد، محاسباتی نشان داد که اگر انگیزه‌های خلاقیت، کار و تلاش را با انگیزه‌های خوشگذرانی جایگزین کنند، نمی‌توانند سری در سرهای دنیا داشته باشند لذا می‌گفت به جبران خواب ماندن گذشتگان باید چندبرابر زحمت بکشند. از این رو است

که می‌گوییم اگر برخی مسئولان ما سازه‌های ذهنی خود را تغییر ندهند اوضاع ما پرهزینه‌تر خواهد شد. از این زاویه ما حتی تعطیلات موجودمان را باید مورد بازبینی قرار دهیم نه اینکه به تعطیلات‌مان اضافه کنیم. ما در ساخت اندیشه کارهای برزمین مانده زیادی داریم. کالچر یا فرهنگ به معنای خلاقیت و تولید در امور بنیادین معنا می‌شود. چرا باید در جامعه ما فرهنگ در نقش موعظه‌گری ظاهر شود و رابطه آن با عمل قطع شود؟ همه ما در این زمینه مسئولیت داریم. راه نجات ما بازگشت به سنت برخورد پرستارانه در همه عرصه‌های حیات اجتماعی است. اگر ما فهمی بایسته از توسعه نداشته باشیم امکان تمدن‌سازی، رفع فقر و... برای ما وجود نخواهد داشت. بنابراین هر کس که درباره توسعه، وضع مطلوب و آینده‌اندیشه می‌کند باید به اندازه جایگاه والایی که دارد، قدرش شناخته شود.

◀ آیا تولید سیزدهم به موضوع توسعه به صورت جدی نگاه می‌کند؟

اساس ساخت توسعه نیافته رانتی مبتنی بر کوته‌نگری است. ما در دانش توسعه می‌گوییم برای رسیدن به توسعه به سه گروه شناخت نیاز داریم. شناخت وضع موجود، شناخت وضع مطلوب و شناخت ساز و کارهای برون رفت از وضع موجود و رسیدن به وضع وضعیت نامتعرف هستیم. در کشوری زندگی می‌کنیم که به عنوان بدیهی اولیه، بارها به برخی مسئولان گفته شده در حالی که شما با انواع مشکلات مواجه هستید، برخورد جزیره‌ای با مسائل راهگشا نیست و گر نه امکان ندارد مساله‌ای را حل کنید. از ابتدای برنامه‌ریزی در ایران، حیاتی‌ترین و سرنوشت‌سازترین مسائل آن دوره قید نشده است. در برنامه اول توسعه قبل انقلاب، نفت ملی شد که در آن قید نشده بود. در برنامه سوم اصلاحات ارضی نبود. چون ما به صورت بنیادین به مساله توسعه توجه نکرده‌ایم، زمان، منابع انسانی و مادی را از دست می‌دهیم و حسرت در می‌کنیم. با این همه، ما تنها کشوری هستیم که در دنیا حدود ۵۰ سال تورم رقمی تجربه کرده است. پشت کردن به واقعیت مساله را حل نمی‌کند. مهم‌ترین کارکرد نظام‌های آموزشی این است که وفای جمعی ایجاد

جزئیات طرح جدید اصلاح قانون انتخابات مجلس

مقامات نمی‌توانند با سمت‌های خود وارد کارزار انتخابات شوند

و شوراهای عالی کشور، وزیر، معاون، مشاور و مدیر بدون واسطه اجرایی او و مدیران کل تشکیلات ستادی وزارتخانه، رئیس، مدیران کل، مدیرعامل یا اعضای هیأت مدیره یا رئیس‌ه اشخاص حقوقی دولتی، عمومی غیردولتی و نیز اشخاص حقوقی تابعه یا وابسته به آنها از جمله مقاماتی هستند که نمی‌توانند با برعهده داشتن سمت‌هایشان وارد کارزار انتخابات شوند مگر آنکه حداقل ۶۰روز قبل اعلام استعفا کرده باشند. وی در ادامه خاطر نشان کرد: نکته دیگری که می‌تواند مانع تقصیع حق کاندیدبهاا و سرعت عمل بیشتر در شمارش آرای سوز حوزه‌های رای گیری شود این است که در انتخابات برای هر یک از نامزدهای فهرست احزاب، شناسه منظور می‌شود. رای‌دهنده می‌تواند عنوان فهرست یا اسم نامزد یا نامزدهای مدنظر خویش و یا شناسه آنها را در برگ رای درج کند. در صورت مغایرت اسم یا عنوان با شناسه، ملاک رای، اسم یا عنوان فهرست است. در صورتی که رای‌دهنده به‌صورت هم‌زمان به فهرست‌ها و نامزدها رای دهد، رای به فهرست‌ها ملاک بوده و رای به نامزدها محاسبه نخواهد شد.

فرارو

چرا آمریکا شکست سیاست تحریم را

قبول نمی‌کند؟

از نمونه کره شمالی تا تحریم ایران

در تعریف «دیوانگی»، اغلب به انجام دادن یک کار مشابه و انتظار نتایج متفاوت اشاره می‌شود. این دقیقاً همان کاری است که ایالات متحده و سایر سیاستگذاران غربی در اعمال تحریم‌های اقتصادی گسترده علیه رژیم‌های به زعم خود متخاصم انجام داده‌اند. نتایج سیاست تحریم کشورها عمدتاً مثبت نبوده است. در عین حال، شهروندان عادی این کشورها به دلیل این سیاست با کاهش سطح استانداردهای زندگی مواجه شده‌اند. این تجربه را بارها و بارها در مکان‌های دور و نزدیک مانند ونزوئلا، ایران، کوبا، سوریه و کره شمالی دیده‌ایم.

◀ تجربه تحریم کره شمالی

بارابارا اسلایون، روزنامه‌نگار و تحلیلگر امور ایران در شورای آتلانتیک نوشته کره شمالی به ویژه نمونه غمباری از تجربه تحریم‌هاست. از زمانی که کره شمالی تولید و آزمایش تسلیحات هسته‌ای را آغاز کرد – پس از خروج دولت جورج دبلیوبوش از توافق منع اشاعه موسوم به چارچوب توافق شده در سال ۲۰۰۲ – این کشور با موجی از تحریم‌های فزاینده‌ای روبه‌رو شده است. به گفته منابع آگاه، شاید شرایط مانند قطعی دهه ۱۹۹۰ نباشد، اما به گفته منابع آگاه، مردم این کشور از ناامنی غذایی جدی‌تر می‌برند. دولت کیم جونگ‌اون به بهانه ویروس کرونا دسترسی به کمک‌های بین‌المللی مانند برنامه جهانی غذا را رد کرده است و درک مردم از خارج و احتمال پناهنده شدن جمعیت کره شمالی را دشوارتر کرده است. مرز چین و کره شمالی که زمانی نسبتاً قابل نفوذ بود، اکنون به طور کامل مهر و موم شده است. به گفته منابع آگاه، ۱۶۹ برج مراقبت و دو دور سیم خاردار مانع از رسیدن مردم کره شمالی به «رودخانه پالو» و عبور از آن و در نهایت رسیدن به کره جنوبی از طریق کشورهای ثالث می‌شود. کره شمالی در سال جاری چندین موشک پرتاب کرده و یک راکتور هسته‌ای را در «یونگ بون» مجدداً راه‌اندازی کرده است و این احتمال وجود دارد که یک فاجعه رادیواکتیوی در حال شکل‌گیری باشد.

◀ تحریم ایران چه آثاری داشت؟

ایران نمونه دیگری از شکست سیاست تحریم‌هاست. تحریم‌های چندجانبه پیش از برنامه جامع اقدام مشترک ۲۰۱۵ (موسوم به برجام) ممکن است نقشی در تشویق مذاکرات هسته‌ای موفق داشته باشند، اما زمانی که دولت ترامپ به طور یکجانبه از برجام در سال ۲۰۱۸ خارج شد، در حالی که ایران به طور کامل به آن پایبند بود، تأثیرگذاری خود را از دست دادند. ایران به جای مذاکره برای یک توافق بهتر، برنامه هسته‌ای خود را تا حدی پیش برده است که بتواند ظرف چند روز مواد شکافت‌پذیر کافی برای تولید سلاح هسته‌ای را داشته باشد. ایران، به حمایت از محور مقاومت ادامه می‌دهد، از اسد در سوریه حمایت می‌کند و روابط نزدیکی با حزب الله که یک گروه ضدغربی قدرتمند در لبنان است، دارد. ایران همچنین با وجود محدودیت‌های تجاری طولانی مدت آمریکا و تحریم‌های چندجانبه تجارت تسلیحات و اقلام دو منظوره، موشک‌ها و پهپادهای پیشرفته‌تری تولید کرده است. خروج از برجام توسط ترامپ، اعتبار سیاسی کسانی که در داخل ایران از توافق حمایت کردند را از بین برد و به روی کار آمدن یک دولت یکپارچه کمک کرد. اعتراضاتی که پس از مرگ مهسا امینی در تاریخ ۱۶ سپتامبر ۲۰۲۲ آغاز شد، منجر به تحریم‌های جدیدی علیه ایران در ارتباط با نقض حقوق بشر شد. با این اوصاف، مذاکرات احیای برجام که قرار بود به کاهش تحریم‌های گسترده‌تر بر بانک‌ها، صادرات نفت و کارخانه‌های ایران منتهی شود، رو به نابودی است. اگرچه سوءمدیریت هم در ایران محقری در وضعیت هسته‌ای تحریم‌ها نقش مهمی در افول اقتصادی کشور داشته‌اند. مردم ایران با کاهش ارزش پول، افزایش تورم و کاهش تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی، به طور فزاینده‌ای دچار مشکل شده‌اند. نزدیک یک سوم جمعیت بیش از ۸۰ میلیون نفری ایران، در یک دهه گذشته با معیارهای خود دولت، به زیر خط فقر سقوط کرده‌اند. بیژن خواجه‌پور، کارشناس تجارت ایران نیز معتقد است: «تداوم ناتوانی طبقه متوسط، فرسایش اقتصادی در دلیل کمبود سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی ایجاد شده است را تشدید خواهد کرد.» با این حال، لغو تحریم‌ها اکنون غوغا به‌پا می‌کند، چرا که منابع بیشتری را در اختیار حاکمیت قرار می‌دهد. سایر کشورهایی که با چنین تحریم‌های گسترده‌ای را تجربه کرده‌اند از جمله کوبا، سوریه و ونزوئلا هم تغییر مثبتی نداشته‌اند. اخیراً دولت بایدن محدودیت‌های سرمایه‌گذاری ایالات متحده در تولید نفت ونزوئلا را کاهش داده است تا کاهش صادرات نفت کشورهای تحریم‌شده دیگر را نظیر روسیه را اجبران کند. طرفداران تحریم‌ها معتقدند اعمال تحریم‌ها اگر به تغییر رژیم‌ها منتهی نشود دست کم به تغییر سیاست‌ها رژیم‌ها می‌انجامد. اما پیوند بین تحریم‌ها و تغییر رژیم‌ها ضعیف است پس چرا تحریم‌ها همچنان ادامه دارد؟ آیا جایگزینی برای جنگ است؟ یا برای مصرف داخلی است؟ دلایل زیادی وجود دارد، اما به نظر نمی‌رسد نتایج این سیستم، ابزارش را توجیه کند.